

سه‌شنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۹ • ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ • ۱۵ دسامبر ۲۰۲۰



گم شدن آرشبو صوتی فرهنگی شفاهی در انتشارات «علمی و فرهنگی»



پس از انتصاب نادره رضایی به سمت مدیرعاملی انتشارات قدیمی و سابقه دار علمی و فرهنگی، اتفاقات عجیب و غریبی در این بنگاه نشر پرسابقه کشور رخ داده و این نهاد فرهنگی را با حواشی بسیاری مواجه ساخته است. تازه‌ترین این اتفاقات مفقود شدن آرشبو فرهنگ شفاهی منیزه محکم‌تپه کنند و کارگردان باسابقه سینمای ایران است. این آرشبو در زمان مدیرعاملی مسعود کوثری برای بهره‌برداری فرهنگی به این انتشارات به صورت امانت داده شده بود. منیزه حکمت سیرده این آرشبو گفت: تعدادی از خبرنگاران و کارشناسان فرهنگی رادیو ایران در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ به سراسر ایران سفر کرده و شروع به ضبط افسانه‌ها و متل‌ها، تعزیه‌ها، موسیقی‌ها و آوازهای محلی کردند. من حدود ۸۰ کتاب و ریل از این پروژه را که متعلق به سال‌های ۳۹ تا ۴۳ است، در آرشبو شخصاًم نگهداری می‌کردم. وی افزود: کتابخانه من غنی بود. بجز این آرشبو، آرشبو مجلدات فردوسی، بولتن‌های تئاتر، کتاب‌های متعدد من … را داشتم که زمانی تصمیم گرفتم برای آگاهی نسل امروز از این آرشبو بهره‌برداری فرهنگی شود. به همین دلیل آنها را دسته بندی کرده و به مراکز امن سپردم. بخشی از آرشبو به موزه سینما و موزه موسیقی رفت. برخی از کتاب‌ها نیز تحویل کتابخانه‌های تخصصی مختلف شد. طبق صحبتی که با آقای مسعود کوثری داشتم آرشبو فرهنگ شفاهی را برای حراست و تبدیل آنها به کتاب به انتشارات علمی و فرهنگی سپردم و مدام هم سرنوشت این آرشبو را از مسئولان انتشارات پیگیری می‌کردم.

حکمت ادامه داد: از زمانی که خانم نادره رضایی به سمت مدیرعاملی انتشارات علمی و فرهنگی انتخاب شدند نیز من پیگیر سرنوشت این آرشبو که به هر حال بخشی از حافظه فرهنگی کشور ماست، شدم. پس از مدتی به من پاسخ دادند که آرشبو شما نیست و مفقود شده است. پاسخ دوم که یعنی چه که نیست؟ شما می‌دانید که آرشبو درجه یک بوده و باید از آن نگهداری می‌کردید. به آنها تاکید کردم که من آرشبو را می‌خواهم.

کارگردان فیلم «جاده قدیم» در ادامه سخنان خود با اشاره به این نکته که حدود یکسال است که پیگیر پس گرفتن آرشبو خود از انتشارات علمی و فرهنگی است اما هنوز به نتیجه نرسیده است، گفت: است گنجینه اسنادی از فرهنگی شفاهی این که دیگر وجود ندارد. مفقود شدن آنها یعنی مفقود شدن بخشی از فرهنگ ما. همه این موارد را به مسئولان انتشارات گفتم و آنها جواب دادند که ما می‌دانیم که چه کسی آن را برده است و هرچه می‌گویم که بگویید چه کسی آن را برده، پاسخ درستی به من نمی‌دهند. متأسفانه این آرشبو غنی به دلیل بی‌مسئولیتی مدیران این انتشارات در حال از دست رفتن است. از این اتفاق آنقدر وحشت کردم که به موزه سینما رفتم و سراغ اسناد واگذار شده به آنها را گرفتم که خوشبختانه آنها را به من نشان دادند.

قرار بود آرشبو فرهنگ شفاهی تبدیل به کتاب و آلبوم‌های موسیقی شود

منیزه حکمت در بخش دیگری از این گفت‌وگو با اشاره به این نکته که آرشبو فرهنگ شفاهی‌اش را طی دهه‌ها به سختی حفظ کرده است، ادامه داد: در تمام این سال‌هایی که با جان و دل مشغول نگهداری از این آرشبو بودم همیشه دغدغه این را داشتم که برای استفاده مردم و نسل جدید از این آرشبو باید آن را به مکانی فرهنگی بسپارم. نام و تیتز این انتشارات یعنی «علمی و فرهنگی» هم فریبنده بود و من را مجاب کرد تا اطمینان کنم.

وی اضافه کرد: دغدغه من این بود که این آرشبو زیر نظر متخصصان دسته بندی شده و از دل آنها کتاب و لوح‌های فشرده منتشر شود. به هر حال این آرشبو بخشی از فرهنگ شفاهی دهه‌های گذشته ماست و متعلق به همه مردم ایران است. آخرین پیغامی که به آنها دادم برای هفته گذشته بود و هنوز پاسخ من را نداده‌اند. من لیست کامل این آرشبو دارم و همه را باید به من برگردانند. ضمن اینکه حتماً باید پاسخ بدهند که چه کسی و چگونه توانسته آرشبو به آن بزرگی را از محل انتشارات خارج کند؟ آن یک نفر کیست و چرا او را به من، مردم و رسانه‌ها معرفی نمی‌کنند؟ چرا شفاف سازی نمی‌کنند؟

حکمت در پایان با اشاره به این نکته که از دل آن آرشبو کتاب‌های متعدد و متنوعی بیرون می‌آمد، گفت: این آرشبو نزد انتشارات علمی و فرهنگی امانت بود. آنها باید بدانند که این گنجینه متعلق به ملت ایران است و باید از آن استفاده بهینه می‌شد نه اینکه یک نفر بپاید و آن را به مقصدی نامعلوم خارج کند. اگر ظرف مدت کوتاهی پس از انتشار این مصاحبه مدیران انتشارات علمی و فرهنگی، سرنوشت این آرشبو را مشخص نکنند من با وکیل‌م مشورت کرده و کارها را از طریق قانونی پیگیری خواهم کرد.

بدون شک همه ما تلاش‌های یک کودک را در کنار یک فروشگاه اسباب‌بازی برای متقاعد کردن والدین خود جهت خرید اسباب‌بازی موردعلاقه‌اش را دیده و شنیده‌ایم و شاید با کمی دقت در محصولی که او به آن اشاره می‌کند، متوجه شده باشیم منظور یک اسباب‌بازی یا بازی است که بر روی آن تصاویر یا نشانه‌هایی از کاراکترهای محبوب خارجی وجود دارد. صحنه‌ای که در ادامه این اتفاق خواهیم دید نیز تقریباً از پیش مشخص است. اگر خانواده با درخواست کودک موافقت کند، با احتمال بسیار زیاد خرید آن‌ها همان محصول موردنظر کودک خواهد بود.

شاید جالب باشد که به صورت مصداقی برای این پیش‌فرض اشاره‌ای به خاطره‌ای داشته باشیم، دو سال پیش در نمایشگاه سالانه بازی و اسباب‌بازی می‌کردم. پس از کمی سوال و جواب که بین‌مان رد و بدل شد و او از دغدغه‌ی من نسبت به کمبود کاراکترهای ایرانی در بازار اسباب‌بازی اطلاع یافت، کمی در پستوهای غرفه‌اش گشت و گذار کرد و بعد از لحظاتی عروسک وارفته‌ای را برایم آورد و گفت این عروسکی پولیشی «رستم»، قهرمان ایرانی است. در کنار آن، عروسک دیگری قرار داشت که به گفته تولیدکننده، «سهراب» بود. با دیدن این صحنه، لرزیدن اعضای بدن فردوسی در گور را حس کردم و از این همه احترام و بزرگداشتی که برای این پهلوانان ایرانی قائل شده بودند، زبانم بند آمد! اما بعد از کمی سکوت بالاخره به حرف آمدم و از علت پنهان‌کردن این عروسک و در عوض، قراردادن عروسک باباسفنجی در بالاترین مکان غرفه (که از دورترین فاصله، اولین تصویری بود که به چشم می‌آمد) پرسیدم. پاسخ این تولیدکننده نیز با پاسخ‌های مرسوم این روزها چندان تفاوتی نداشت؛ «رستم و قهرمانان ایرانی برای مخاطب ایرانی و خصوصاً کودک ایرانی ناشناخته هستند و کودک تمایلی به داشتن این عروسک‌ها ندارد. درواقع مخاطب ایرانی اصلاً تقاضای عروسک

رستم در پستو؛ باباسفنجی در چشم مخاطب



شخصیت‌های ایرانی را ندارد. در مقابل، کاراکتری همچون «باباسفنجی» مشتری را از هر نقطه‌ای از این نمایشگاه به سمت غرفه ما می‌آورد و خیلی بعید است که دست‌خالی از اینجا برود. بنابراین عقل سلیم به من می‌گوید که با گذاشتن عروسک اضافی اشغال می‌کنم و باعث کاهش فروش و سود خودم می‌شوم…»

هنوز هم مشخص نیست پیکان اتهام را به سمت چه کسی یا کسانی باید نشان‌رفت. اما به نظر می‌رسد مسئله بسیار پیچیده‌تر از آن چیزی باشد که به نظر می‌رسد. در این گزارش تصمیم گرفتم کمی مسئله را متوجه خانواده ایرانی قرار دهم!

در موضوع کم‌توجهی به کاراکترهای ایرانی، معمولاً مسئولان، تولیدکننده‌ها و انیمیشن‌سازها و … را مقصر می‌دانیم که البته تاحدی هم درست است. ناشناخته‌بودن کاراکترهای ایرانی برای کودک بسیار بر روی انتخاب نشدن این کاراکترها از سوی او مؤثر است. باید بپذیریم که هنوز در این بخش صفح‌های جدی داریم و توانستیم قهرمانان بومی‌مان را به خوبی به مخاطب ایرانی اچه کودک



شخصیت‌های ایرانی را ندارد. در مقابل، کاراکتری همچون «باباسفنجی» مشتری را از هر نقطه‌ای از این نمایشگاه به سمت غرفه ما می‌آورد و خیلی بعید است که دست‌خالی از اینجا برود. بنابراین عقل سلیم به من می‌گوید که با گذاشتن عروسک اضافی اشغال می‌کنم و باعث کاهش فروش و سود خودم می‌شوم…»

هنوز هم مشخص نیست پیکان اتهام را به سمت چه کسی یا کسانی باید نشان‌رفت. اما به نظر می‌رسد مسئله بسیار پیچیده‌تر از آن چیزی باشد که به نظر می‌رسد. در این گزارش تصمیم گرفتم کمی مسئله را متوجه خانواده ایرانی قرار دهم!

در موضوع کم‌توجهی به کاراکترهای ایرانی، معمولاً مسئولان، تولیدکننده‌ها و انیمیشن‌سازها و … را مقصر می‌دانیم که البته تاحدی هم درست است. ناشناخته‌بودن کاراکترهای ایرانی برای کودک بسیار بر روی انتخاب نشدن این کاراکترها از سوی او مؤثر است. باید بپذیریم که هنوز در این بخش صفح‌های جدی داریم و توانستیم قهرمانان بومی‌مان را به خوبی به مخاطب ایرانی اچه کودک

موضوعی که در این گزارش به آن اشاره می‌کنیم، در واقع بخشی از یک پدیده فرهنگی است که در سال‌های اخیر در ایران به سرعت گسترش یافته و به یکی از علل اصلی کاهش توجه به فرهنگ ایرانی و به تبع آن، کاهش سرمایه فرهنگی کشور تبدیل شده است.

از لکنت و همسر نویسنده تا بردن جایزه‌ها

جان بخرد. کتاب عناصری از دوران کودکی من را در برگرفته است؛ برای مثال «سوفی» مدت طولانی است که دچار بیماری شده است. («فازل» در سن هشت‌سالگی به دلیل ابتلا به انسفالیت یک سال از حضور در مدرسه بازماند). همچنین عناصری مرتبط با سه فرزند من در این کتاب به چشم می‌خورد. در تمامی داستان‌ها بخشی از اتفاقات تخیلی و بخشی از زندگی شخص نویسنده و اطرافیان او نوشته شده است.

آیا برای نوشتن یک کتاب کودک مضطرب بودید؟

بسیار زیاد. فقط صرف این‌که فردی در نوشتن یک رمان طولانی بزرگسالان توانا باشد تضمینی وجود ندارد که بتواند همین توانایی را در نوشتن کتاب کودکان هم داشته باشد. در واقع این اثر یک کتاب با همکاری «دنیل ترازینی» (تصویرگر) و کودکان بود؛ من بخش‌هایی از داستان را برای بچه‌هایم می‌خواندم و آن‌ها نظرات‌شان را می‌گفتند. آن‌ها بسیار صادق و در مواقعی بسیار بی‌رحم بودند. وقتی کودکان چیزی را دوست نداشته باشند یا از جا برخواستن و دور شدن از محل آن را ابراز می‌کنند.

جایزه ادبیات داستانی زنان شد و به عنوان کتاب سال «واتراستونز» معرفی شد…

امسال سال بسیار بسیار عجیبی بود. در حقیقت سال شگفت‌آوری بود. من واقعا از انتخاب شدن به عنوان برنده جایزه ادبیات داستانی شوکه شده بودم. بسیار خوش‌شانس بودم که مراسم این جایزه با برنامه «زوم» برگزار شد چراکه اگر در یک مراسم حضوری بودم برای سخنرانی کردن بیش از حد شوکه شده بودم. شما در کتاب خاطرات «من هستم، من هستم، من هستم» درباره لکنت زبان دوران کودکی‌تان نوشته‌اید. آیا حین صحبت برای جمعیت زیاد دچار اضطراب می‌شوید؟

من در دوران کودکی و جوانی لکنت شدیدی داشتم و هنوز هم حین صحبت کردن اعتماد به نفس چندانی ندارم.

«همنت» و «جایی که فرشته‌های برفی می‌روند» هر دو موضوعاتی درباره بیماری کودکان را در برگرفته‌اند، آیا این موضوعی

اسباب‌بازی و یا لوازم‌التحریر و تصویر یک قهرمان ایرانی باشد، خود را مستحق تمسخر قرارگرفتن از سوی دیگران می‌داند و در مقابل با استفاده از محصولات با تصاویر قهرمانان خارجی. خود را دارای نیرویی ماورایی می‌داند که دیگران آرزوی رسیدن به او را دارند!

ازطرفی، خانواده خصوصاً در سنین ابتدایی کودک، بر عموم ورودی‌های کودک نظارت دارند. هیچ‌چیز همچون جذابیت و هیجان در سنین کودکی نمی‌تواند کودک را به خود جذب‌کند. موضوعی که تقریباً بخش جدانشدنی انیمیشن‌ها و قهرمان‌سازی‌های خارجی است. خانواده‌ای که به راحتی کودک را در معرض قهرمان‌سازی‌های انیمیشن‌های خارجی قرار می‌دهد، نباید توقع داشته‌باشد که کودک او بدون توجه به همه ورودی‌های خود، آن‌ها را کنار بزند و به دنبال کاراکتر و قهرمان ایرانی برود که تصور خاصی از آن ندارد. باید قبول کنیم وجود کتاب‌های تاریخی همچون «شاهنامه» به پدر و مادر ایرانی گوشزد می‌کند که ابتدا نیازاست تا خودتان این قهرمان‌ها را به خوبی بشناسید و سپس تلاش کنید با شناختی که از کودک خود دارید، این قهرمانان را در قالبی جذاب و هیجان‌انگیز برای او روایت کنید. درواقع مشکل اصلی اینجاست که والدین برای رشد و پرورش تربیتی و فرهنگی کودک‌شان به اولین و ابتدایی‌ترین ابزار بسنده می‌کنند و خود را به سختی نمی‌اندازند. چراکه اثرات فرهنگی دیر بازده ولی ماندگارترند و زمانی متوجه می‌شوند که دیگر کودک‌شان هیچ تمایلی به محصول ایرانی ندارد و حتی نسبت به آن متفتر است. این، یکی از بزرگ‌ترین خطراتی است که می‌تواند آینده یک کشور را به شدت مورد تهدید قرار دهد. بنابراین می‌طلبید که والدین تاحدی که ممکن است ضعف‌های موجود رسانه‌ای و تولیدی کشور در بخش کودک را خودشان برطرف کنند و اجازه منتلا شدن کودک‌شان به این بیماری سخت را ندهند!…

بخش مهمی از اینکه کودک چگونه به مسائل نگاه می‌کند و در چه فضایی رشد می‌کند، متوجه والدین است. اینکه کودک در خانواده‌ای رشد کند که از ابتدا به او اینگونه القا شود که هرچیزی با برند ایرانی، ضعیف و بی‌کیفیت است و محصول خارجی به انسان شخصیت می‌دهد، نباید از این کودک توقع انتخاب محصول ایرانی (به‌طورخاص کاراکترهای ایرانی) را داشت. چراکه او استفاده از محصول با برند ایرانی را ضعف می‌داند و از داشتن محصول خارجی لذت می‌برد. درواقع وقتی بر روی

موضوعی که در این گزارش به آن اشاره می‌کنیم، در واقع بخشی از یک پدیده فرهنگی است که در سال‌های اخیر در ایران به سرعت گسترش یافته و به یکی از علل اصلی کاهش توجه به فرهنگ ایرانی و به تبع آن، کاهش سرمایه فرهنگی کشور تبدیل شده است.



است که شما به طور ویژه به آن فکر می‌کنید؟

این موضوع قابل توجهی است چراکه دردناک است. از دست دادن فرزند یکی از ترس‌های فطری والدین است، این‌طور نیست؟ من همیشه به داستان «همنت» علاقه زیادی داشتم و برابم سوال بوده که چرا «همنت» نادیده گرفته شده و در تاریخ به فراموشی سپرده شده است. «همنت» در انگلستان و با مرگ پسر ویلیام شکسپیر آغاز می‌شود و سپس داستان روابط بین والدینش را در برمی‌گیرد) زندگی کردن با فردی که هم‌حرفه شماست چطور است؟ در این شرایط نیاز نیست درباره بسیاری از مسائل به همدیگر توضیح بدهیم. وقتی حین کار به سراغ «ویل» می‌روم و می‌گویند: «مشغول هستم. نمی‌توانم صحبت کنم» من ناراحت نمی‌شوم. به علاوه ما همیشه نخستین خواننده آثار همدیگر هستیم. او یک‌بار درباره یکی از آثارم به من گفت: «این کتاب بد نیست، اما باید نیمی از آن را از نو بنویسم.» و حق با او بود، این بخش از کتاب خوشایند نبود.

در حال حاضر چه کتاب‌هایی روی میز مطالعه‌تان قرار دارد؟ اخیراً با «دونال رایان» آشنا شدم. یکی از کتاب‌هایش را مطالعه کردم و زمانی که متوجه شدم آثار دیگری هم خلق کرده بسیار خوشحال شدم. بنابراین این روزها مجموعه آثار این نویسنده را مطالعه می‌کنم. آثار «ایان» برای من یادآور آثار اولیه «ادنا اوبرین» هستند، اما آثار «ایان» نمایانگر ایرلند مدرن هستند.

موضوعی که در این گزارش به آن اشاره می‌کنیم، در واقع بخشی از یک پدیده فرهنگی است که در سال‌های اخیر در ایران به سرعت گسترش یافته و به یکی از علل اصلی کاهش توجه به فرهنگ ایرانی و به تبع آن، کاهش سرمایه فرهنگی کشور تبدیل شده است.

تفاهم‌نامه کتابخانه ملی و انتشارات علمی و فرهنگی

هائیه گزائیلی نیز خطاب به بروجردی گفت: انتشارات علمی و فرهنگی با تهیه تجهیزات اسکن چند ماه است کار آرشبو اسناد را آغاز کرده است تا نسخه دیجیتال آن را در اختیار سازمان اسناد کتابخانه ملی قرار دهد؛ اقدامی که بسیار مهم و ارزشمند است.

در پایان تفاهم‌نامه همکاری در موضوع حفظ اسناد و نگهداری اسناد انتشارات علمی و فرهنگی امضا شد. اشرف بروجردی در پایان ابراز امیدواری کرد که انجام کارهای مشترک و مبادلات فرهنگی این‌چنینی موجب حفظ اسناد برای آیندگان کشور باشد.

بر اساس این گزارش، انتشارات علمی و فرهنگی امروز یادگار همایون صنعتی‌زاده و جمعی از اندیشمندان و فرهیختگانی است که بخشی از فرهنگ جامعه ما را رقم زده‌اند. به جز آثار این بزرگان که در قالب کتاب چاپ شده‌اند، اسنادی از تلاش‌های آن دانشوران در مجموعه اسناد انتشارات علمی و فرهنگی به جا مانده که حفظ آن‌ها ضروری است.

بر اساس این گزارش، انتشارات علمی و فرهنگی امروز یادگار همایون صنعتی‌زاده و جمعی از اندیشمندان و فرهیختگانی است که بخشی از فرهنگ جامعه ما را رقم زده‌اند. به جز آثار این بزرگان که در قالب کتاب چاپ شده‌اند، اسنادی از تلاش‌های آن دانشوران در مجموعه اسناد انتشارات علمی و فرهنگی به جا مانده که حفظ آن‌ها ضروری است.

کرد: در تاریخ شفاهی رزمندگان به نقش افراد پرداخته می‌شود حال این افراد شهید شده باشند و یا در قید حیاتند و لازم است آن تجربه‌ای که آنجا بدست آوردند برای ثبت در تاریخ نوشته شود.رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران با اشاره به رونمایی ۸۰ جلد کتاب تاریخ شفاهی بیان کرد: سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس این اقدام را انجام داده است و مربوط به ۸۰ تجربه عزیزانی است که در جبهه‌های جنگ حضور داشته‌اند. وی در پایان به پویش «کتابخوانی ملی» اشاره و بیان کرد: برای اینکه مردم بتوانند انس با کتابخوانی داشته باشند، مدتی آن زنده بماند. در حالی که به موضوع دفاع مقدس کمتر پرداخته شده است. وی با اشاره به اینکه اخیراً بحث ادبیات جنگ مطرح است و در حوزه تاریخ شفاهی اقداماتی در دست است، عنوان

شماره ۳۱۰۷

اخبار

در کانال اردو؛

شبکه سحر در «نبرد برای حجاب»
موفقیت های زنان ورزشکار محبجه ایرانی در میادین بین المللی ورزشی و طرح مشکلات آنان در مستند «نبرد برای حجاب» از کانال اردوی شبکه سحر پخش خواهد شد.
به گزارش امتیاز، زنان ورزشکار مسلمان با حفظ اصول و باورداشت های دینی توانسته اند سکوهای موفقیت را به نام خود ثبت کنند. بانوان ورزشکار ایرانی نیز به عنوان پرچمدار این حرکت اعتقادی به نماد توانمندی زنان مسلمان در حوزه ورزش مبدل شده اند.
مستند «نبرد برای حجاب» با پرداختن به موفقیت های کسب شده در میادین بین المللی ورزشی توسط بانوان ورزشکار ایرانی، دغدغه ها و مشکلات آنان در این رابطه را مطرح خواهد کرد.
در این مستند قوانین سختگیرانه فدراسیون های ورزشی درخصوص داشتن حجاب و مسائل پیش آمده نقد و بررسی خواهد شد.
مستند «نبرد برای حجاب » (The Battle For Hijab)تولید شبکه پرس تی وی بوده و پروانه طلایی آن را به زبان اردو ترجمه کرده است.
زمان پخش این مستند ۲۵ آذر ماه ساعت ۱۴:۳۰ دقیقه از کانال اردوی سحر است.

شبکه الکوثر «در سایه قرآن»
مجموعه تلویزیونی «در سایه قرآن» محصول گروه اجتماعی شبکه الکوثر بر روی آنتن است.

به گزارش امتیاز، امیر شعبانی زاده تهیه کننده این مجموعه برنامه ها است.

شعبانی زاده گفت: هدف از ساخت این مجموعه برنامه ها انعکاس فعالیت های قرآنی افرادی است در حرفه های مختلف با قرآن سر و کار دارند و بخشی از منبع درآمد آنان از این راه به دست می آید.

شعبانی زاده ادامه داد: دراین برنامه ها هرشب به سراغ یکی از افرادی که در کار و حرفه اش با قرآن ارتباط دارد می رویم، مشاغلی مثل خطاطی، نقاشی، ساخت محراب، مرمت کنگدگان نسخ قدیمی و خطی قرآن، مدرسان، معلمان و مبلغان علوم قرآنی وسو. با آنان گفت و گو می کنیم.

شعبانی زاده افزود: در ساخت این برنامه گروه با حضور در محل کار و منزل این افراد از نزدیک با آن ها و خانواده هایشان دیدار و گفت و گو کرده و از نتایج و آثار مثبت این ارتباط آسمانی از زبان خود و خانواده شان با مخاطبان و بینندگان شبکه الکوثر خواهند گفت.

شعبانی زاده در پایان از «حمیدرضا باخدا» به عنوان طراح و نویسنده برنامه سی قسمتی «در سایه قرآن» نام برد.

مجموعه برنامه های «در سایه قرآن» (و زندانم هدی) هر شب از ساعت ۲۱:۰۰ به وقت تهران در مدت زمان ۲۵ دقیقه بر روی آنتن شبکه الکوثر است.

روایت «قصه های ماندگار» ادبی در شبکه سحر
«قصه های ماندگار» ادبی و ایرانی عنوان میان برنامه ای است که از کانال آذری شبکه سحر پخش می شود.

به گزارش امتیاز، «قصه های ماندگار» انیمیشنی گرافیکی در سه فصل و شامل داستان هایی با موضوعات مذهبی، ادبی و قصه های دفاع مقدس، محصول شبکه دو، سیما است. فصل اول ازمجموعه سه فصلی «قصه های ماندگار» در ۱۳۳ قسمت، شامل قصه هایی مذهبی با ثنری عامه پسند است و به روایت داستان ها و حکایت هایی از پیامبران اولوالعزم (ع)، پیامبر اسلام (ص)، امامان معصوم (ع) و یاران و اصحاب ایشان می پردازد. زیانگردانی و دوبله به زبان آذری این مجموعه در فصل اول با مدیریت دوبلاژ حمیدرضا پاکزاد انجام شده است. میان برنامه «قصه های ماندگار» شامل قصه هایی از شاهنامه فردوسی، مثنوی معنوی، تاریخ بیهقی، مرزبان نامه، بهارستان جامی، تذکرهٔ الاولیاء، منطق الطیر و قابوسنامه است که به صورت روزانه یک داستان جدید و در قالب تصویر نریشن در خلال برنامه های مختلف از کانال آذری شبکه سحر بر روی آنتن است.

«داخل اسرائیل» روی آنتن همیسان تی وی؛ نگاهی به خشونت جنسی فراگیر در اسرائیل

شبکه همیسان تی وی در برنامه این هفته «داخل اسرائیل» (Dentro de Israel) به بررسی خشونت جنسی فراگیر دراسرائیل می‌پردازد. **به گزارش امتیاز**، برنامه «داخل اسرائیل» از شبکه اسپانیایی زبان همیسان تی وی به موضوعات حقیقی مربوط به نابودی درونی اسرائیل می‌پردازد. در این برنامه ضمن مروری بر اعتراضات درمی در پی یک تجاوز گروهی دیگر به یک دختر نوجوان در اسرائیل، رشد پرونده های تجاوز جنسی و عدم اجرای عدالت در بسیاری از پرونده های مشابه را مورد نقد و بررسی قرار می دهد.در این برنامه با اشاره به گزارشی درخصوص تجاوز گروهی و آزار جنسی دخترتی ۱۶ ساله و خشم و اعتراض ساکنان اسرائیل نسبت به آن، بحث و تبادل نظر پیرامون عدم برخورد قانونی با متجاوزان جنسی در رژیم صهیونیستی صورت می گیرد.نگاهی به دلایل افزایش تجاوزات جنسی در اسرائیل طی سال های اخیر و بررسی علل عدم اقدامات صحیح در اسرائیل برای مقابله با رشد این مسئله از دیگر محورهای مورد بحث در این زمینه خواهد بود. «داخل اسرائیل» به تهیه کنندگی حسین اشپیماری و محصول پرس تی وی، با زبانگردانی اسپانیایی، سه شنبه ساعت ۵:۳۰ و ۱۴ چهارشنبه ساعت ۴:۳۰ دقیقه تکرار این برنامه پنجشنبه ساعت ۱۰:۳۰ و جمعه ساعت ۱۲:۳۰ است.